



The Lived Experience of Couples with Attachment Trauma (Insecure Attachment) in Marital Relationships: A Phenomenological Research

Ahmad Amani^{1*}, Samira SalarAbadi², Omid Hamidi³

1. Corresponding Author, Associate Professor, Department of counseling, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran. Email: a.amani@uok.ac.ir
2. MSc. in Family Counseling, Department of counseling, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran. Email: samirasalarabadi@gmail.com
3. Ph.D., Department of counseling, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. Email: o.hamidi@ymail.com

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:
Received: 9 Nov 2021
Revised: 6 Jan 2022
Accepted: 22 Jan 2022
Published Online: 4 Oct 2023

Keywords:
Couples, Insecure Attachment, Lived Experiences, Marital Relationships.

ABSTRACT

The aim of this study was to investigate the lived experiences of married couples who have undergone attachment trauma (insecure attachment). It employed a qualitative methodology, specifically utilizing interpretive phenomenology and the Van Manen analytical method. All couples referred to counseling centers in Kermanshah in 2020 constituted the target population, and criterion-based purposive sampling was used to select the sample. The clients completed the Carver Measure of Attachment Qualities. Those who exhibited insecure attachment and were more likely to participate in the study were interviewed in a semi-structured format until saturation was reached. The final tally of participants was fourteen, comprised of eight females and six males. Data were collected, recorded, coded, and classified into main themes and sub-themes. The data were analyzed utilizing Van Manen's method of theme analysis, which extracted themes in accordance with three distinct approaches—general, selective, and fragmentary. Thirty subthemes and five overarching themes are discerned through this analysis: disturbed communication patterns, the presence of mental disorders and emotional regulation difficulties, domestic violence and aggression, disrupted sexual relations, and troubled romantic and interpersonal relationships. The emotional dissolution of a married couple's existence is the result of communication patterns that have been disrupted by attachment trauma. Therefore, it is imperative to implement training programs and conduct enrichment courses that are grounded in the adult's attachment style in order to mitigate couple conflicts.

Cite this article: Amani, A., Salarabadi, S., & Hamidi, O. (2023). The Lived Experience of Couples with Attachment Trauma (Insecure Attachment) in Marital Relationships: A Phenomenological Research. *Journal of Applied Psychological Research*, 14(3), 163-184. doi: 10.22059/japr.2023.333709.644077.



Publisher: University of Tehran Press
DOI: <https://doi.org/10.22059/japr.2023.333709.644077>

© The Author(s).



پی کاوی تجارب زیسته زوجین با ضربه دلبستگی (دلبستگی نایمن) در روابط زناشویی: پژوهشی پدیدارشناسانه

احمد امانی^{۱*}، سمیرا سالارآبادی^۲، امید حمیدی^۳

۱. نویسنده مسئول، دانشیار، گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. رایانامه: a.amani@uok.ac.ir
۲. کارشناس ارشد، گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران. رایانامه: samirasalarabadi@gmail.com
۳. دکتری، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. رایانامه: o.hamidi@ymail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

پژوهش حاضر با هدف بررسی تجارب زیسته زوجین با ضربه دلبستگی (دلبستگی نایمن) بر روابط زناشویی انجام گرفت. روش پژوهش کیفی بود و با استفاده از راهبرد پدیدارشناسی تفسیری و روش تحلیلی فان‌مانن انجام شد. جامعه هدف شامل کلیه زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر کرمانشاه در سال ۱۳۹۹ بود و نمونه به روش نمونه‌گیری هدفمند ملاک‌محور انتخاب شد. بدین‌صورت که مراجعه‌کنندگان، پرسشنامه دلبستگی کارور (MAQ) را تکمیل کردند و کسانی که دارای دلبستگی نایمن بودند و تمایل به شرکت در پژوهش را داشتند، تا حد اشباع و با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بررسی شدند. در نهایت تعداد مشارکت‌کنندگان به ۱۴ نفر (۸ زن و ۶ مرد) رسید. داده‌ها پس از جمع‌آوری، ثبت، کدگذاری و در قالب مضمون‌های اصلی و فرعی طبقه‌بندی شدند. تحلیل داده‌ها به روش تحلیل مضمون فان‌مانن و استخراج مضامین بر مبنای سه رویکرد کلی، انتخابی و جزئی صورت گرفت. این تحلیل به شناسایی ۳۰ زیرمضمون و ۵ مضمون اصلی انجامید که عبارت‌اند از: الگوهای ارتباطی مختل، وجود اختلالات روانی و دشواری تنظیم هیجان، خشونت و پرخاشگری خانگی، روابط جنسی مختل، روابط عاشقانه و بین‌فردی آشفته. زوجین با ضربه دلبستگی، دارای الگوهای ارتباطی مختلی هستند که زندگی آن‌ها را به سمت طلاق عاطفی سوق داده است؛ بنابراین آموزش و برگزاری دوره‌های غنی‌سازی مبتنی بر روش دلبستگی بزرگسالان در پیشگیری از تعارضات زوجین ضروری می‌نماید.

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۱۰/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۰۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۷/۱۲

کلیدواژه‌ها:

تجارب زیسته، دلبستگی نایمن، روابط زناشویی، زوجین.

استناد: امانی، ا.، سالارآبادی، س.، و حمیدی، ا. (۱۴۰۲). پی‌کاوی تجارب زیسته زوجین با ضربه دلبستگی (دلبستگی نایمن) در روابط زناشویی: پژوهشی پدیدارشناسانه. فصل‌نامه پژوهش‌های کاربردی روانشناختی، ۱۴(۳)، ۱۶۳-۱۸۴. doi: 10.22059/japr.2023.333709.644077

ناشر: انتشارات دانشگاه تهران

DOI: <https://doi.org/10.22059/japr.2023.333709.644077>

© نویسندگان.



۱. مقدمه

از دیدگاه مشاوران خانواده و زوج‌درمانی، کیفیت روابط زوجین نقشی مهم در سلامت روان‌شناختی زن و مرد دارد. روابط زوجین منبع اولیه همدلی و حمایت و احساس و عاطفه است و از زوجین انتظار می‌رود یک رابطه منحصر به فرد همراه با عشق، همدلی، علاقه، صمیمیت و نیز عاطفه را در روابط خود داشته باشند (صداقت‌خواه و بهزادی‌پور، ۱۳۹۶).

درواقع، روابط زناشویی مفهومی چندوجهی است که ابعاد مختلفی از روابط زناشویی مانند انسجام، صمیمیت، خرسندی، سازگاری، شادی و تعهد را شامل می‌شود (سیرین و بایراکی^۱، ۲۰۲۰). با این حال، اگر زوجین تعارض‌های شدید اجتناب‌ناپذیری داشته باشند، تأثیرات فیزیکی و روان‌شناختی مخرب و جبران‌ناپذیری را تجربه خواهند کرد (توکلی‌زاده، نجاتیان و سوری^۲، ۲۰۱۵)؛ به‌عنوان نمونه‌ای از علل روان‌شناختی که در شکل‌گیری و مواجهه فرد با این تعارض‌ها و فشارها نقش مهم و اساسی دارد، می‌توان به سبک‌های دل‌بستگی^۳ اشاره کرد که می‌تواند چارچوبی برای درک بهتر و موکافانه‌تر روابط زوجین و روش‌های رویارویی با تعارضات فراهم آورد (ولوتی و همکاران^۴، ۲۰۱۸).

سبک دل‌بستگی، پیوند و ارتباط عاطفی پایداری است که در اوایل کودکی بین کودک و مراقبان اصلی به‌وجود می‌آید (بالبی^۵، ۱۹۸۰، به نقل از ناسیمتو و همکاران^۶، ۲۰۲۲). سبک‌های دل‌بستگی که در چارچوب‌های ارتباطی سال‌های نخستین زندگی خصوصاً در ارتباط با مراقبان اولیه شکل گرفته، از توانایی تأثیرگذاری بر ابعاد متفاوت زندگی بهره‌مند می‌شود؛ به طوری که تا حد فراوانی روند عملکرد تمام چارچوب‌های ارتباطی را در آینده معین می‌سازد (کاسیو و آلایمو^۷، ۲۰۱۶). به عبارت دیگر دل‌بستگی، مدل و الگوهای تفکر، عواطف و احساسات و رفتارهای فردی در رابطه نزدیک با مراقب اصلی و نیز دیگر افراد صمیمی است و در روند رشد، افراد سبک دل‌بستگی خود را که در تعاملات نخستین با پدر و مادرشان شکل گرفته به شریک زندگی خود منتقل می‌کنند (سونگ، نام و هوانگ^۸، ۲۰۲۰). به این ترتیب افراد هماهنگ با نوع سبک دل‌بستگی خود، مقادیری از رابطه عاطفی و صمیمیت را از پدر و مادر خود به آشنایان و دوستان نزدیک و شریک زندگی خود انتقال می‌دهند (سیمپسون و رولز^۹، ۲۰۱۹).

نظریه دل‌بستگی بزرگسالان که به دست هازن و شیور^{۱۰} (۱۹۸۷، به نقل از فریلی^{۱۱}، ۲۰۱۹) و مبتنی بر نظریه بالبی و اینسورث^{۱۲} (۱۹۸۱، به نقل از برترتون^{۱۳}، ۲۰۱۳) پایه‌گذاری شد، نشان می‌دهد چگونه سبک دل‌بستگی ابتدایی بین کودک و مراقب اصلی و اولیه (مادر)، سبب به‌وجود آمدن تفاوت‌های فردی در ابعاد مختلف روان‌شناختی (عاطفه و تفکر و شناخت)، اجتماعی و همچنین انتظارات فرد از روابط زناشویی و عاشقانه می‌شود. دل‌بستگی بزرگسالان در پرورش و حفظ ارتباطات بین‌فردی نقش بسیار مهمی دارد و با عملکردهای روانی متعلق به روابط عاشقانه و صمیمانه، و نیز رفتارهای قابل مشاهده و برون‌دادهای روابط صمیمانه که از یک جهت، ذهنی (مثل رضایت) و از طرف دیگر عینی (مثل جدایی و طلاق) هستند، قابلیت پیش‌بینی دارد (نافتل^{۱۴} و شیور، ۲۰۰۶، به نقل از ژائو و همکاران^{۱۵}، ۲۰۱۷).

مطالعات حاکی از آن است که دو شاخصه ترس از رهاشدگی و احساس امنیت و راحتی در روابط، از نشانگرهای اصلی رفتار دل‌بستگی در ازدواج، و نیز نشانه سبک دل‌بستگی ایمن^{۱۶} در فرد است. به بیانی دیگر هرکدام از همسرانی که سبک دل‌بستگی

1. Sirin & Bayrakci
2. Tavakolizadeh, Nejatian, & Soori
3. attachment styles
4. Velotti et al.
5. Bowlby, J.
6. Nascimento et al.
7. Cascio & Alaimo
8. Sung, Nam, & Hwang
9. Simpson & Rholes
10. Hazan, C., & Shaver, P.
11. Fraley
12. Ainsworth, M.
13. Bretherton
14. Nofhle, S.
15. Zhao et al.
16. secure attachment style

ناایمن^۱ دارند، به همسرشان اعتماد ندارند، اتحاد و همبستگی متقابل، تعهد و مسئولیت اندکی دارند و میزان رضایتمندی آن‌ها از روابط زناشویی بسیار کم است (بانیت و پاکینسکین^۲، ۲۰۱۰). پس می‌توان نتیجه گرفت سبک دلبستگی ایمن با رضایت زناشویی بیشتر و سبک دلبستگی ناایمن با رضایت زناشویی کمتر ارتباط دارد و به‌طور اخص سبک دلبستگی ناایمن با استفاده از مدل‌های ارتباطی نامؤثر و ناپخته در مدیریت تعارض و تنش‌های زناشویی مرتبط است (سیراو و هرزبرگ^۳، ۲۰۱۲). بیشتر مطالعات در مورد سبک‌های دلبستگی، عامل مهم و اساسی تعارضات و مناقشات زناشویی را سبک دلبستگی ناایمن بیان کرده‌اند (بیلانگر و همکاران^۴، ۲۰۱۵)؛ بنابراین با توجه به سبک دلبستگی همسران، احتمال دارد تعارضات و اختلافات زناشویی باقی بماند، بدتر شود یا حل شود. سبک دلبستگی ایمن با راهبردهای مناسب و کارآمد همراه است؛ درحالی‌که دلبستگی‌های ناایمن با عملکردهای منفی نامناسب مانند فرار از گفت‌وگوی بیشتر با همسر در مورد مسائل پیش‌آمده، طردکردن و نیز رفتارهای خشونت‌آمیز با همسر همراه است (بوناچی، گونزالس-مندز و کراه^۵، ۲۰۱۹).

بخش عمده‌ای از مطالعات پیشین به‌جای تمرکز بر ادراک زوجین درگیر در روابط زناشویی، به بررسی روابط متغیرهای مختلف در ارتباط با دلبستگی پرداخته‌اند. مروری گذرا بر پژوهش‌های صورت‌گرفته در حیطه دلبستگی نشان می‌دهد موارد زیر موضوع این مطالعات بوده است: ارتباط سبک‌های دلبستگی در بزرگسالان با مشکلات زناشویی (مدنی و بشارت، ۱۳۹۸)، سازگاری زناشویی^۶ (اوزمن و آتیک^۷، ۲۰۱۰، قاضیان، بشارت و رضازاده، ۱۳۹۸؛ حسینی‌حسین‌آباد و همکاران، ۱۳۹۷؛ مطلب و حمیدی‌پور، ۱۳۹۶)، کیفیت زناشویی^۸ (سندبرگ، برادفورد و براون^۹، ۲۰۱۷)، تنظیم هیجان (براندو و همکاران^{۱۰}، ۲۰۲۰)، علائم افسردگی و اضطراب (بروفی و همکاران^{۱۱}، ۲۰۲۰؛ نوک، سندبرگ و دیویس^{۱۲}، ۲۰۱۷) و پرخاشگری (توگاس، پلوکوین و موندور^{۱۳}، ۲۰۱۶؛ هایکس^{۱۴}، ۲۰۲۰؛ چچه‌هوور و جکسون^{۱۵}، ۲۰۲۱؛ فرناندز-فیورتنس و همکاران^{۱۶}، ۲۰۱۹؛ سانتونا و همکاران^{۱۷}، ۲۰۱۹؛ اوکا، براون و میلر^{۱۸}، ۲۰۱۶؛ خزاعی و همکاران، ۱۳۹۶). از سوی دیگر، عملکرد/ بدکاری جنسی^{۱۹} (تروب و استراکس^{۲۰}، ۲۰۱۷؛ جزینی و همکاران، ۱۳۹۷؛ عبدالهی و همکاران^{۲۱}، ۲۰۲۰؛ پورسل-لوسکیو و همکاران^{۲۲}، ۲۰۱۹؛ فلاح و همکاران^{۲۳}، ۲۰۱۹؛ هدایتی و بیگی، ۱۳۹۵؛ بوناچی، گونزالس-مندز و کراه، ۲۰۱۹)، تعهد زناشویی^{۲۴} (عبدالهی و همکاران، ۲۰۲۰؛ سهرابی و رسولی، ۱۳۸۷)، کیفیت روابط عاطفی^{۲۵} (رندال و باتلر^{۲۶}، ۲۰۱۳؛ گیورتنز و همکاران^{۲۷}، ۲۰۱۳؛ موهر، سلترمن و فسینگر^{۲۸}، ۲۰۱۳)

1. insecure attachment style
2. Banytè & Pukinskaitè
3. Sierau & Herzberg
4. Bélanger et al.
5. Bonache, Gonzalez-Mendez, & Krahé
6. marital compatibility
7. Ozmen & Atik
8. marital quality
9. Sandberg, Bradford, & Brown
10. Brandão et al.
11. Brophy et al.
12. Novak, Sandberg, & Davis
13. Tougas, Péloquin & Mondor
14. Hicks
15. Cheche Hoover & Jackson
16. Fernández-Fuertes et al.
17. Santona et al.
18. Oka, Brown, & Miller
19. sexual performance/ dysfunction
20. Trub & Starks
21. Abdollahi et al.
22. Purcell-Lévesque et al.
23. Fallah et al.
24. marital commitment
25. quality of emotional relationships
26. Randall & Butler
27. Givertz et al.
28. Mohr, Selterman, & Fassinger

و رضایت زناشویی (رجبی، موسویان‌نژاد، و تقی‌پور، ۱۳۹۳؛ سیمپسون و رولز، ۲۰۱۹؛ لوپز و همکاران^۱، ۲۰۱۱) نیز از دیگر متغیرهایی هستند که ارتباط آن‌ها با سبک‌های دل‌بستگی بررسی شده است. با این حال در این پژوهش‌ها به تجربه زیسته زوجین با ضربه دل‌بستگی و توصیف تجربه آنان از رضایت زناشویی پرداخته نشده است؛ بنابراین خلأ پژوهشی در این زمینه و ضرورت پژوهش کیفی برای درک عمیق موضوع احساس می‌شود.

براین اساس با توجه به نقش اساسی کیفیت ارتباطات خانوادگی در سلامت روان خانواده و استحکام جامعه، توجه به آسیب‌های روان‌شناختی که روابط زناشویی را در ابعاد متفاوتی تحت تأثیر قرار می‌دهد، ضروری است. بررسی عمیق و ظریف آسیب‌های روان‌شناختی زوجین و مطالعه اثر آن‌ها بر روابط زناشویی، بستر مناسبی برای مشاوران فراهم می‌کند تا با درک پویایی‌های خانواده، مداخلات کارآمدتری اتخاذ کنند. با این تفصیل و با توجه به خلأ پژوهشی موجود، پژوهش حاضر درصدد بررسی تجارب زیسته زوجین با ضربه دل‌بستگی در روابط زناشویی است.

۲. روش

۲-۱. جامعه، نمونه و روش اجرا

روش پژوهش حاضر کیفی^۲ است و برای اجرای آن از شیوه پدیدارشناسی^۳ مبتنی بر روش فان‌مانن^۴ استفاده شد. جامعه هدف شامل کلیه زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر کرمانشاه در سال ۱۳۹۹ بودند. روش نمونه‌گیری به شیوه هدفمند^۵ ملاک‌محور^۶ است. فرایند مصاحبه‌ها و نمونه‌گیری و تعیین تعداد نمونه تا رسیدن به اشباع نظری^۷ ادامه یافت؛ یعنی زمانی که هیچ‌گونه داده و اطلاعات تازه‌ای از مصاحبه‌ها به دست نیامد. در نهایت تعداد مشارکت‌کنندگان به ۱۴ نفر (۸ زن و ۶ مرد) نفر رسید. ابتدا برای تشخیص افراد دارای دل‌بستگی نایمن، از زوج‌هایی که به مراکز مشاوره شهر کرمانشاه مراجع کرده بودند فهرستی تهیه و با آن‌ها تماس گرفته شد و از آنان درخواست شد که در صورت تمایل و داوطلبانه به پرسشنامه کیفیت دل‌بستگی کارور^۹ (MAQ) پاسخ دهند. بعد از مشخص شدن سبک‌های دل‌بستگی داوطلبان، از افراد خواسته شد در پژوهش حاضر همکاری کنند. علاوه بر داشتن دل‌بستگی نایمن، ملاک‌های ورود عبارت بودند از: حداقل دو سال زندگی مشترک، حداقل سن برای افراد ۲۰ سال و نداشتن اختلال جسمی یا روانی خاص نیز بودند. همچنین ملاک‌های خروج از مطالعه نیز شامل داشتن مشکلات و اختلافات شدید زناشویی، دارا بودن اختلالات خلقی و عاطفی، مصرف مواد افیونی، داشتن بیماری‌های جسمانی بود. ارزیابی ملاک‌های ورود و خروج، توسط یک روان‌شناس بالینی و پیش از آغاز فرایند پژوهشی از طریق انجام مصاحبه بالینی صورت گرفت.

۲-۲. ابزارهای پژوهش

گردآوری داده‌ها در این پژوهش، با به‌کارگیری پرسشنامه کیفیت دل‌بستگی کارور (MAQ) و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته^{۱۰} (SSI) انجام گرفت.

۲-۲-۱. پرسشنامه کیفیت دل‌بستگی کارور (MAQ)

این پرسشنامه توسط کارور (۱۹۹۷) ساخته شده و دربرگیرنده چهارده گزاره و چهار بعد است که پاسخ به آن بر پایه طیف چهارگزینه‌ای، به صورت نمره ۱ برای گزینه «به شدت مخالفم» و نمره ۴ برای گزینه «کاملاً موافقم» است. چهار بعدی که برای

1. Lopez et al.
2. lived experience
3. qualitative
4. phenomenology
5. Van Mannen
6. targeted
7. criteria-Based Sampling
8. theoretical saturation
9. Measure of Attachment Qualities (MAQ)
10. semi-structured interviews

این پرسشنامه به دست می‌آید عبارت‌اند از: دلبستگی ایمن، دلبستگی اجتنابی^۱، دلبستگی دوسوگرایی مضطرب^۲ و دلبستگی دوسوگرایی اجتنابی-اضطرابی^۳. میزان آلفای کرونباخ در پژوهش کارور (۱۹۹۷) برای بعد ایمن ۸۵ درصد، بعد اجتنابی ۶۸ درصد، بعد دوسوگرایی مضطرب^۴ ۷۱ درصد و بعد دوسوگرایی اجتنابی-اضطرابی^۵ ۹۶ درصد به دست آمده است (کارور، ۱۹۹۷).

در ایران این پرسشنامه توسط عیسی‌نژاد، آگشته و علی‌پور (۱۳۹۴) هنجاریابی شده و پایایی، روایی و ساختار عاملی آن در میان بزرگسالان متأهل شهر اصفهان بررسی شده است. مطابق یافته‌ها، آلفای کرونباخ و ضریب دو نیمه گاتمن^۶ برای تمام ابعاد پرسشنامه بیشتر از ۰/۷ و همبستگی هر گویه با عامل مربوط بالای ۰/۶ است. همبستگی نمرات بازآزمایی با فاصله سه ماه برای تمام ابعاد، بیشتر از ۰/۷ به دست آمد (عیسی‌نژاد، آگشته و علی‌پور، ۱۳۹۴).

۲-۲-۲. مصاحبه نیمه ساختار یافته

برای جمع‌آوری داده‌ها از روش مصاحبه نیمه ساختاریافته و عمیق استفاده شد. مصاحبه با گزاره‌های زمینه‌ای کم تنش آغاز شد، مانند اینکه دیدگاه خود را در مورد زندگی مشترک توضیح دهند یا درباره روابط عاطفی خود با همسرشان صحبت کنند. در ادامه، مصاحبه به سمت سؤال‌هایی درباره انتظارات، نحوه برآورده کردن نیازها، شیوه تعامل و حل تعارض‌ها و... پیش رفت؛ برای مثال واکنش فرد زمانی که همسرش به او بی‌توجهی می‌کند چیست، فرد انتظار دارد همسرش چه برخوردی داشته باشد، تجربه فرد از روابط عاشقانه با همسرش چگونه است، فرد از چه راهبردهایی برای حل مناقشات و تعارضات زناشویی خود استفاده می‌کند، فرد چقدر به همسر خود اعتماد دارد، فرد تا چه حد از زندگی جنسی خود رضایت دارد و... در فرایند مصاحبه، هر زمان که لازم بود به منظور کسب اطلاعات دقیق‌تر و جامع سؤالات اضافی پرسیده شد. مصاحبه به صورت انفرادی و در محیطی آرام انجام گرفت و این فرایند تا رسیدن به حد اشباع ادامه یافت. در نهایت مصاحبه‌ها برای تحلیل و سازمان‌بندی مضامین و کدگذاری، مورد تحلیل مضمونی قرار گرفت.

۲-۳. شیوه اجرای پژوهش و تجزیه و تحلیل اطلاعات

پیش از شروع فرایند جمع‌آوری داده‌ها، هدف مطالعه برای شرکت‌کنندگان توضیح داده شد و پس از ارائه اطلاعات کافی درباره ماهیت و اهداف پژوهش، از افراد خواسته شد فرم رضایت آگاهانه شرکت در مصاحبه ضبط‌شده را (که طی آن حفظ حریم خصوصی و محرمانه بودن مصاحبه‌ها با استفاده از اسامی مستعار و حق انصراف در تمام فرایند پژوهش برای آنان توضیح داده شده بود) امضا کنند. مصاحبه به صورت انفرادی و در محیطی آرام انجام گرفت و اطلاعات در یک بازه زمانی پنج‌ماهه جمع‌آوری، ثبت و دسته‌بندی شد.

در پژوهش حاضر، تحلیل داده‌ها به روش تحلیل مضمون فان‌مانن (۱۹۸۴) به نقل از آدامز و فان‌مانن^۷ (۲۰۱۷) صورت گرفت. در این روش، استخراج مضامین از داده‌ها بر مبنای سه رویکرد کلی است که در این پژوهش از هر سه رویکرد استفاده شد: (۱) رویکرد کلی یا اغراق‌آمیز^۸؛ (۲) رویکرد انتخابی یا برجسته‌سازی^۹؛ (۳) رویکرد جزئی یا خط‌به‌خط^{۱۰} (محمدپور، ۱۳۹۸). بدین ترتیب که ابتدا متن هر مصاحبه به عنوان یک کل مورد نظر قرار گرفت و معنای عمده متن به عنوان یک کل در یک یا چند بند توصیف شد (رویکرد کل‌نگر). مطالعه مصاحبه‌ها به صورت کل‌نگر سبب ایجاد پنج توصیف از مجموع مصاحبه‌ها با ۱۴ مشارکت‌کننده شد. بعد از آن، متن هر مصاحبه چندین بار بازخوانی شد و جملات و عباراتی که به نظر می‌رسید به پدیده توصیف‌شده می‌پردازند انتخاب شدند (رویکرد انتخابی). جدا کردن جملات مضمونی و تبدیل کردن و تغییر شکل دادن جملات گفته‌شده برای هر مصاحبه

1. avoidant attachment
2. anxious ambivalent attachment
3. avoidant-anxious ambivalent attachment
4. anxious ambivalent
5. avoidant-anxious ambivalent
6. Gottman
7. Adams & Van Manen
8. general approach or exaggerated
9. selective approach or highlighting
10. partial approach or line-by-line

به‌طور مجزا (مضمون اصلی) انجام گرفت. طبقات اولیه طراحی و مضامین در آن طبقات جای گرفتند. با تغییر و جابه‌جایی مضامین، تلفیق مضامین مشترک و حذف مضامین نابجا، مضامین اساسی مشترک برجسته شدند. به بیانی دیگر عبارات، جملات و بندهای متعلق به هر کدام از مصاحبه‌ها به‌طور مجزا از مصاحبه‌های دیگر و با توجه به وجوه مشترک، در قالب مضمون‌ها و زیرمضمون‌ها سازمان‌دهی شدند. استفاده از نظرات کارشناسان و استادان خبره به‌منظور بررسی و تأیید مضامین نیز برای عمق‌بخشیدن به معنای مطرح‌شده توسط مشارکت‌کنندگان در این مرحله صورت گرفت. همچنین شایان ذکر است در مرحله تحلیل داده‌ها، بیش از هزار مضمون اولیه انتخاب شد و در مراحل بعدی به‌تدریج با حذف مضامین مشابه، شش مضمون اصلی و سی زیرمضمون به‌دست آمد.

ارزیابی داده‌ها بر مبنای ملاک‌های تأییدپذیری^۱ و قابلیت اطمینان^۲ صورت گرفت. در تأییدپذیری محقق سعی می‌کند نشان دهد یافته‌ها واقعاً مبتنی بر داده است (صدوقی، ۱۳۸۷). بدین منظور محققان پس از تجزیه و تحلیل هر مصاحبه، مجدداً به مشارکت‌کنندگان مراجعه و صحت مطالب با نظر آنان بررسی شد و در صورت لزوم اصلاحات انجام گرفت. برای بررسی قابلیت اطمینان نیز متن مصاحبه‌ها به رؤیت متخصصانی که در روش پژوهش کیفی تخصص داشتند رسانده شد تا با توجه به برداشت خود کدگذاری‌هایی انجام دهند. با مقایسه کدهای به‌دست‌آمده توسط محققان و افراد متخصص، در مواردی که ناهماهنگی وجود داشت، جلسه‌های گفت‌وگو برگزار و نظرات به هم نزدیک شدند.

۳. یافته‌ها

۳-۱. توصیف جمعیت‌شناختی

۸ نفر از مشارکت‌کنندگان زن و ۶ نفر مرد بودند. ۴ نفر دارای تحصیلات زیردیپلم، ۳ نفر دیپلم، ۲ نفر کارشناسی، ۳ نفر کارشناسی ارشد و ۲ نفر دکتری با میانگین سنی ۳۶ سال برای مردان و ۲۵ سال برای زنان بودند. دامنه سنی برای مردان ۲۸ تا ۴۳ سال و برای زنان ۱۹ تا ۳۳ سال و میانگین مدت ازدواج ۴ سال (از ۲ تا ۱۱ سال) بود. همچنین میانگین تعداد فرزندان ۲ بود (از بدون فرزند تا ۳ فرزند).

۳-۲. مضامین اصلی و فرعی حاصل تحلیل تجارب مشارکت‌کنندگان

تحلیل تجارب مشارکت‌کنندگان سبب شناسایی پنج درون‌مایه اصلی (مضمون) و ۳۰ درون‌مایه فرعی (مقوله) شد که در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. درون‌مایه‌های اصلی و فرعی حاصل از تجربه زیسته مشارکت‌کنندگان پژوهش

مضمون اصلی	مضمون فرعی
الگوهای ارتباطی مختل	دردسترس نبودن همسر پذیران نبودن همسر عدم پاسخگویی همسر داشتن انتظارات فراوان کنترل شدید همسر و حسادت
وجود اختلالات روانی و دشواری تنظیم هیجان	خشم نفرت اضطراب افسردگی جسمانی‌سازی و بیماری‌های روان‌تنی
خشونت و پرخاشگری خانگی (فیزیکی و روانی)	ترک همسر تنبیه قهرکردن

مضمون اصلی	مضمون فرعی
	تهدید پرخاشگری یا اتخاذ راهبردهای تکانشگری
روابط جنسی مختل	درخواست آزادی بیشتر بی‌میلی جنسی سردمزاجی روابط جنسی پرخاشگرانه برقراری رابطه جنسی در زمان نامناسب رهاکردن رابطه جنسی در حین آمیزش انتظارات غیرمنطقی جنسی بی‌توجهی همسر
روابط عاشقانه و بین‌فردی آشفته	حساس و زودرنج بودن گوش‌به‌زنگی و بدگمانی درخواست اطمینان‌بخشی مکرر ترجیح‌دادن تنهایی دیدگاه منفی درباره خود و همسر عدم تعهد داشتن رابطه فرازناشویی

۳-۲-۱. الگوهای ارتباطی مختل

اولین و مهم‌ترین محور از مقوله‌های برداشت‌شده از متن مصاحبه زوجین با دل‌بستگی نایمن، مربوط به الگوهای ارتباطی مختل شامل پنج مضمون فرعی دردسترس نبودن همسر، پذیران نبودن همسر، عدم پاسخگویی همسر، داشتن انتظارات فراوان، و کنترل شدید همسر و حسادت است که هر یک از این عوامل شامل زیرمجموعه‌ها و کدهای مرتبط با مقوله خاص به شرح زیر هستند:

در درون‌مایه فرعی دردسترس نبودن همسر، زوجین زیادی عنوان کردند که هنگامی که همسرشان در دسترس نیست یا دیر به خانه می‌آید، آن‌ها اضطراب شدید دارند و احساس خوشبختی نمی‌کنند: «شوهرم تمام‌وقت با دوستاش باشگاه می‌ره و اصلاً انگار نه انگار من بهش نیاز دارم. این همه دوری از من چه معنی داره؟ اصلاً چرا با من ازدواج کرده؟» (مشارکت‌کننده ۴).

مضمون فرعی مهم دیگر، پذیرفته نشدن از طرف همسر است. زوجین می‌خواستند به صورت تمام و کمال و بدون هیچ کم‌وکاستی از طرف همسر پذیرفته شوند. عدم پذیرش به آن‌ها القا می‌کرد که دوست‌داشتنی نیستند یا نقصی دارند. «از زندگیم راضی نیستم؛ چون همسر من اون جوروری که هستم دوست نداره. شب و روز می‌گه کمی چاق‌تر شو یا این لباس‌های زشت چیه می‌پوشی؟ و هیچ ارزش و احترامی برای سلاقی و علائق من قائل نیست» (مشارکت‌کننده ۱۰).

سومین مضمون فرعی الگوهای ارتباطی مختل در زوجین با دل‌بستگی نایمن، شکایت از عدم پاسخگویی همسر است که زوجین ابراز می‌کنند همسرانشان پاسخگوی نیازهای آن‌ها نیستند و از برآورده کردن نیازهایشان اجتناب می‌کنند: «شوهر من طوری رفتار می‌کنه که من اصلاً نیستم و هیچ نیازی ندارم. پشیمونم و اگر راهی باشه از شوهرم جدا می‌شم حتماً» (مشارکت‌کننده ۸).

در مضمون فرعی، داشتن انتظارات فراوان از همسر، زوجین عنوان کردند که همسرانشان از آن‌ها انتظارات فراوان دارند که گاهی برآورده کردن آن‌ها دور از ذهن و غیرقابل اجرا است. «همسر من مدام ایراد می‌گیره و انتظار داره بچه‌ها رو تروخسک کنم؛ درحالی‌که خودش خانه‌داره یا می‌گه باید در خرید کردن همیشه همراهم باشی، ولی این کار برام ممکن نیست؛ چون منم مشغله‌های خودمو دارم و دوست دارم کمی نفس بکشم. این درخواست‌ها شاید برای دیگران کوچیک به نظر برسه، ولی منو به تنگنا رسونده» (مشارکت‌کننده ۳).

در مورد مضمون فرعی کنترل شدید همسر و حسادت، زوجین معمولاً به دلیل اینکه فکر می‌کنند روزی از طرف همسر خود طرد می‌شوند، راهبرد مقابله‌ای کنترل را در پیش می‌گیرند. کنترل شدیدی که در بسیاری از اوقات به جای جذب همسر، او را فراری می‌دهد و برای رهایی از این کنترل شدید، گاهی دست به هر کاری می‌زند: «همسرم کنترل‌گره و ممکنه هر چند ساعت

یه بار به من تلفن بزنه یا پیام بفرسته تا بدون کجام، با کی ام و چرا اونجام. من بارها براش توضیح دادم که کارم طوریه که باید با تعدادی خانم متأهل ساعت‌ها بحث و گفت‌وگو داشته باشم، اما اون با این کارها منو خسته کرده» (مشارکت‌کننده ۱۳).

۳-۲-۲. وجود اختلالات روانی و دشواری در تنظیم هیجان

درون‌مایه دوم اصلی، وجود اختلالات روانی و دشواری تنظیم هیجان است. براین اساس زوجین گاهی به‌خاطر مشکلات زناشویی معمول، چنان درگیر هیجان‌ات شدید می‌شوند که به‌سوی اختلالات افسردگی، اضطراب و جسمانی‌سازی کشیده می‌شوند. این درون‌مایه شامل پنج مضمون فرعی خشم، نفرت، اضطراب، افسردگی و جسمانی‌سازی و بیمارهای روان‌تنی است.

در مضمون فرعی خشم، اظهارات زوجین حاکی از آن است که همسرانشان آن‌ها را طرد می‌کنند و از نزدیک شدن به آن‌ها احساس راحتی نمی‌کنند؛ یا برعکس، هر وقت همسرشان می‌خواهد به آن‌ها نزدیک شود، به آنان اجازه ورود به این رابطه صمیمی را نمی‌دهند. این‌گونه است که خشم در این رابطه بسیار برجسته می‌شود:

«خانوم من وارد دور باطلی شده. اون می‌خواد من دوستش داشته باشم و براش گل بخرم و ارتباط نزدیک و گرمی با هم داشته باشیم، اما هر وقت من به این درخواست پاسخ می‌دم، با جسم و روح خسته و خشک و خالی همسرم مواجه می‌شم. راستش رو بخواید من سردرگم و گیج شده‌م. نمی‌دانم چطوری همسرمو دوست داشته باشم. این کار منو خشمگین و عصبانی می‌کنه» (مشارکت‌کننده ۷).

در مضمون فرعی نفرت، مشارکت‌کنندگان مدتی بعد از زندگی مشترک، با کوچک‌ترین مشکل نسبت به همسر خود دچار نفرت می‌شوند. این نفرت کم‌کم چنان عمیق می‌شود که شیرینی زندگی مشترک را به تلخی تبدیل می‌کند. به‌علت بسیاری از سهل‌انگاری‌ها و جدی‌نگرفتن برخی اختلافات پیش از ازدواج، مشکلات بسیار زیاد و جدی در زندگی مشترک زوجین با دل‌بستگی نایمن ایجاد می‌شود: «به‌خاطر توهین‌ها و تحقیرهای همسرم ارزش متفردم، اون اصلاً منو جدی نمی‌گیره و هیچ‌وقت به حرف‌ها و درددل‌هام گوش نمی‌ده. می‌دونی چی منو اذیت می‌کنه؟ اینکه همسرم اوایل زندگی مشترک این‌طوری نبود و به کلی عوض شده. این تغییر اون در جریان زندگی باعث شده است هر روز ارزش متنفرتر بشم و حتی بارها به فکرم خطور کرده که طلاق بگیرم قبل از اینکه خیانت کنم» (مشارکت‌کننده ۹).

در مضمون فرعی اضطراب، مشارکت‌کنندگان از یک طرف در سراسر زندگی خود در حال تجربه کردن و لمس هیجان‌ات منفی هستند. از طرف دیگر با دل‌بستگی نایمن اضطراب از جدایی و طرد و دوست داشته‌نشدن از طرف همسر را نیز تجربه می‌کنند:

«همسر من دائم به من ایراد می‌گیره که چرا چیزی که می‌خواستم، مهیا نیست و این می‌تونه برای من نگرانی زیادی ایجاد کنه. تمام فکر و ذکر همسر من اینه که همه چیز به‌خوبی پیش بره و هیچ نقصی توی کار نباشه. اگر همه چیز مطابق میل همسرم پیش نره همسر منو مقصر می‌دونه و تهدید می‌کنه که طلاق می‌دم. این به‌مرور زمان تبدیل به مسئله‌ای برای اضطراب و نگرانی شده. همسر من خیلی غر می‌زنه و دنبال مقصره. تمام زندگی منو اضطراب گرفته» (مشارکت‌کننده ۱۱).

در مضمون فرعی افسردگی، مشارکت‌کنندگان درگیر افکار مربوط به تعارضات زناشویی هستند، امید خود را از دست داده‌اند و دائم در حال گریه و پرخاشگری و ترک خانه و طرد همسر هستند. همچنین گردش فکری زیادی دارند و قادر به کنترل این افکار منفی نیستند: «شوهر من خیلی دل‌نازکه. با کوچک‌ترین دعوا تا مدت‌ها با من حرف نمی‌زنه. فکر می‌کنه من خشن و بددهن هستم، ولی من این‌جوری نیستم. زندگی ما پر از تعارض و تناقضه. از طرفی هم دوستش دارم و هم دوستش ندارم. خود من هم سردرگم هستم. شوهر من قرص افسردگی هم مصرف می‌کنه. در کل حوصله این زندگی رو ندارم. مجبور نیستم این همه فشار رو تحمل کنم. به‌زودی طلاق می‌گیرم» (مشارکت‌کننده ۱۲).

در مضمون فرعی جسمانی‌سازی و بیمارهای روان‌تنی، مشارکت‌کنندگان دچار سردردهای عصبی، زخم معده و بیماری‌های روان‌تنی می‌شوند. این زوجین مشکلات جسمی مانند سردرد میگرنی دارند که تقریباً شواهد پزشکی-جسمانی زیادی برای آن وجود ندارد: «از وقتی با همسرم ازدواج کرده‌م یه روز خوش ندیده‌م. شاید باورش برای شما سخت باشه، اما هر ماه یه دکتر جدید می‌رم. بیماری زخم معده گرفته‌م. همسرم با من بدرفتاری می‌کنه و همیشه این ترس رو دارم که از دستش بدم. از طرفی هم

وقتی به من زیاد نزدیک می‌شه، این نزدیکی زیاد باعث اضطرابم می‌شه. ولی در کل همیشه دعا می‌کنم خدایا عزیزانم و مخصوصاً شوهرمو از من نگیر» (مشارکت‌کننده ۶).

۳-۲-۳. خشونت و پرخاشگری خانگی

سومین مضمون اصلی، خشونت و پرخاشگری خانگی است. نکته قابل‌تأملی که از متن بعضی از مصاحبه‌ها برداشت شد این بود که همسرآزاری صرفاً توسط شوهر صورت نمی‌گیرد، بلکه شوهرهایی هستند که از آزاردیدن از همسر شکایت دارند. این مضمون شامل پنج درون‌مایه فرعی ترک همسر، تنبیه، قهر کردن، تهدید و پرخاشگری یا اتخاذ راهبردهای تکانشگری است. بنا بر اظهارنظر مصاحبه‌شوندگان در مضمون فرعی ترک همسر، همسرانی که به آن‌ها بی‌توجهی شده یا احساس می‌کنند به آن‌ها توجهی نشده است، با کوچک‌ترین بی‌مهری و تعارض خانوادگی، به سرعت خانه را ترک کرده‌اند: «من به همسر بی‌توجه نیستم و خیلی هم دوستش دارم. ولی وقتی می‌آم خونه گاهی اخبار یا فوتبال رو پیگیری می‌کنم. این کار باعث می‌شه همسر با من دعوا کنه و حتی پیش اومده است که خونه رو ترک کنه و با من قهر باشه و خدا می‌دونه با چه مصیبتی به خونه برمی‌گرده» (مشارکت‌کننده ۱۳).

در مضمون فرعی تنبیه کردن همسر، تنبیه در زوجین پرخاشگر به صورت مستقیم و تنبیه بدنی یا به صورت غیرمستقیم و تنبیه زبانی اتفاق افتاده است: «شوهر من با کوچک‌ترین مخالفت دادوفریاد می‌کنه و هر چیزی که دم دستش باشه به سمت من پرتاب می‌کنه» (مشارکت‌کننده ۹). «کاش شوهرم منو کتک می‌زد، ولی این قدر بددن نبود. تا می‌آد خونه و می‌بینه غذا ده دقیقه دیگه آماده می‌شه شروع می‌کنه به بد و بیراه گفتن» (مشارکت‌کننده ۱۲).

براساس نظر مشارکت‌کنندگان، مضمون فرعی قهر کردن حاکی از به‌کارگیری راهبرد قهر برای تنبیه شریک زندگی است. زوجینی که با مشکل قهر و آشتی مکرر درگیرند، به‌خوبی می‌دانند که قهر مانند سمی مهلک، در نخستین درجات موجب عذاب و فرسودگی و در بالاترین حد، سبب دل‌سردی و دزدگی و درنهایت ختم رابطه و طلاق می‌شود: «از اینکه بی‌توجه به حرف‌هام باشه، احساس دلخوری و ناراحتی می‌کنم، اما چه کنم که کاری از دستم برنمی‌آد. اصلاً حوصله کل کل ندارم. می‌دونم هرچقدر بگم، باز کار خودشو می‌کنه. خیلی وقت‌ها ترجیح می‌دم قهر کنم تا شاید به خودش بیاد و این قدر منو آزار نده» (مشارکت‌کننده ۱۴).

در مضمون فرعی اتخاذ راهبردهای تکانشگری، تهدید و پرخاشگری، زوجین به‌محض ایجاد مشکلات بین‌فردی به‌جای گفت‌وگو و مذاکره و حل مسئله با روشی منطقی و معقول، به رفتارهای لحظه‌ای و بی‌تفکر قبلی دست می‌زنند: «وقتی با همسر بحثمون می‌شه، انگار به‌جز دست‌ها و مشت‌هاش هیچ جای بدنش کار نمی‌کنه و من کیسه بوکس می‌شم برای همسرمتأسفانه» (مشارکت‌کننده ۸).

۳-۲-۴. روابط جنسی مختل

درون‌مایه اصلی چهارم روابط جنسی مختل است. افراد با سبک دلبستگی ناایمن و اجتنابی، تفسیر منفی از رابطه جنسی زناشویی بیان می‌کنند و در حقیقت لذت جنسی‌ای که باید، نمی‌برند. این مضمون دارای هشت مضمون فرعی درخواست آزادی بیشتر، بی‌میلی جنسی، سردمزاجی، روابط جنسی پرخاشگرانه، برقراری رابطه جنسی در زمان نامناسب، رهاکردن رابطه جنسی در حین آمیزش، انتظارات غیرمنطقی جنسی و شکایت از بی‌توجهی همسر است.

طبق اظهارات مصاحبه‌شوندگان، مضمون فرعی درخواست آزادی بیشتر نگران‌کننده است و برخی آن را ناشی از تغییراتی می‌دانند که در روند توسعه اجتماعی و دستیابی به نقطه تعادل جدید، اجتناب‌ناپذیر و گاه مطلوب می‌نماید. انتظارات فراوان از روابط زناشویی و همچنین نارضایتی از روابط جنسی، اگر درخواست آزادی بیشتر را به دنبال داشته باشد، زمانی زیان‌بار است که از هم‌گسستگی خانواده را به دنبال داشته باشد: «در بافت فرهنگی ما این برام قابل‌درک نیست که همسر با تعداد زیادی افراد غریبه به کوهنوردی بره. جالب اینجاست که منو با خودش نمی‌بره و می‌گه تو کوهنوردی بلد نیستی. راستشو بخواید همسر من به‌جای نزدیک شدن به من و گرم کردن کانون خانواده، از من دوری می‌کنه» (مشارکت‌کننده ۱۱).

در مضمون فرعی بی‌میلی جنسی، زوجین بر سردی روابط جنسی با همسرشان تأکید داشتند که بر سایر جنبه‌های زندگی مشترک تأثیر مستقیم داشته است: «نسبت به همسرم خیلی سرد شده‌ام از وقتی که متوجه شده‌ام اون فردی نبود که تو رؤیای ذهنیم دنبالش می‌گشتم. خیلی سرد شده‌م. شاید باورتون نشه، ولی در یک ماه اخیر هیچ‌گونه ارتباط جنسی با همسرم نداشتم و تقصیر خودش هم هست. رفتارهای اون منو یاد مادرم می‌ندازه. راستش من از مادرم متنفر بودم. این مرد هم مثل مادرم بددهن و پرخاشگره و احساس امنیت ندارم. نه از دست کتک‌هایی که می‌زنه و نه از دست زخم‌زبون‌هایی که داره» (مشارکت‌کننده ۱).

مضمون فرعی سردمزاجی، ارتباطی با مشکلات و اختلالات جنسی نداشته است و این سردمزاجی به‌نوعی حاصل دلزدگی از شریک جنسی است. «من غالباً به‌رغم عملکرد طبیعی فیزیولوژیک، تمایلی به برقراری ارتباط با همسرم ندارم و در طول زندگی مشترک رابطه زناشویی خاصی هم بین من و همسرم برقرار نمی‌شه. شاید یکی از دلایل این سردمزاجی من در رابطه با همسرم کارهای خانم یا حرف‌های همیشه تلخ و گزنده‌ش باشه» (مشارکت‌کننده ۱۳).

در مضمون فرعی روابط جنسی پرخاشگرانه، اظهارات زوجین حاکی از آن است که زوجین در حین رابطه جنسی دست به رفتارهای پرخاشگرانه مانند تحقیر کردن، کتک‌زدن یا حتی زخم‌کردن اندام جسمی شریک خود می‌زنند و این برای شریک جنسی‌شان ناخوشایند است: «شوهر من از فحاشی و حرف‌های رکیک حین رابطه جنسی لذت می‌بره» (مشارکت‌کننده ۶). «همسر من با من رابطه جنسی برقرار نمی‌کنه مگر اینکه ازش خواهش و تمنا کنم. وقتی هم راضی به این کار می‌شه دوست داره منو در حین رابطه جنسی تحقیر کنه» (مشارکت‌کننده ۵).

مضمون فرعی برقراری رابطه جنسی در زمان نامناسب نشان می‌دهد بسیاری از زوجها به‌دلیل ناآشنایی و در برخی از موارد نداشتن آگاهی کافی درباره نحوه برقراری روابط عاطفی و زناشویی بین همسران، با مشکلاتی مواجه هستند که متأسفانه گاهی به بحران‌های خانوادگی تبدیل می‌شود: «همسرم عاشق برقراری رابطه جنسی در زمان‌هاییه که من به‌شدت درگیرم یا زمان‌هایی که از نظر فرهنگی کار درستی نیست، منو تحت فشار قرار می‌ده که باید رابطه جنسی داشته باشیم. مثلاً وقتی به خونه پدری‌ام برمی‌گردم، این فشارها از طرف همسرم بیشتر می‌شه» (مشارکت‌کننده ۱۳).

مضمون فرعی بعدی رهاکردن رابطه جنسی در حین آمیزش است. همچنان که در طرحواره‌درمانی هم مشهود است که افراد دارای دل‌بستگی ناایمن، از ترس اینکه طرد نشوند، طرد می‌کنند: «جز ساعت و روز و مکان مشخص‌شده‌ای که بین ما وجود داره، اگر با همسرم بخوام رابطه جنسی داشته باشم قبول نمی‌کنه یا اگر قبول کنه وسط کار می‌گه من خوابم می‌آد یا لطفاً ادامه نده حوصله ندارم» (مشارکت‌کننده ۳).

در مضمون فرعی انتظارات غیرمنطقی جنسی، زوجین اذعان دارند که گاهی همسرانشان از آن‌ها انتظارات غیرمنطقی جنسی دارند که گاهی برآورده کردن آن‌ها بسیار دشوار و حتی چندش‌آور است: «همسر من انتظارات غیرمنطقی جنسی داره. طوری که فکر می‌کنه رابطه جنسی ما باید مثل روزهای اول پر از شور و حرارت باشه. ولی بار مشکلات زندگی شور و هیجان رو می‌گیره و من مثل ربات نیستم که بتونم همیشه سرمست باقی بمونم» (مشارکت‌کننده ۷).

در مضمون فرعی شکایت از بی‌توجهی همسر (به‌ویژه بی‌توجهی جنسی)، زوجین این بی‌توجهی را دلیلی بر طرد همسر می‌دانند و به آن بسیار حساس‌اند و واکنش‌های شدیدی نشان می‌دهند: «می‌دونم آخرش یه روز همسر منو ترک می‌کنه و می‌ره و تنهام می‌ذاره. اون به من شدیداً بی‌توجهه. هیچ‌وقت به موهای رنگ‌شده من و به تغییر رنگ لاک‌های ناخنم توجه نمی‌کنه. تا می‌خوام درخواست رابطه جنسی کنم همسر من سریع می‌گه خسته‌م» (مشارکت‌کننده ۲).

۳-۲-۵. روابط عاشقانه و بین‌فردی آشفته

پنجمین درون‌مایه روابط عاشقانه و بین‌فردی آشفته بود که شامل هفت مضمون فرعی حساس و زودرنج‌بودن، گوش‌به‌زنگی و بدگمانی، درخواست اطمینان‌بخشی مکرر، ترجیح‌دادن تنهایی، دیدگاه منفی درباره خود و همسر، عدم تعهد و داشتن رابطه فرزندناشویی است.

در مضمون فرعی حساس و زودرنج‌بودن، زوجین در قبال درخواست‌هایی که دارند بسیار حساس و زودرنج‌اند و اگر کوچک‌ترین انتظار آن‌ها برآورده نشود، به‌سرعت قهر می‌کنند و خانه را ترک می‌کنند. درواقع از اینکه همسرانشان تحریک‌پذیری

زیادی دارند، بسیار کلافه‌اند: «احساس می‌کنم شوهرم خیلی حساس و به من بی‌علاقه شده؛ چون با کوچک‌ترین کار من، همسرم از کوره درمی‌ره و دنبال بهانه می‌گردد که سر من داد بزنه و منو تحقیر کنه. این کار آرومش می‌کنه. او همیشه دنبال بهانه‌ست که از خونه فرار کنه» (مشارکت‌کننده ۴).

در مضمون فرعی گوش‌به‌زنگی و بدگمانی، زوجین می‌ترسند روزی همسرشان آن‌ها را طلاق بدهد و بیشتر ساعات و روزهای زندگی‌شان را این بدگمانی و شک دربرگرفته است: «همیشه گوشه‌گوشی همسرمو بررسی می‌کنم که به کس دیگه‌ای پیام نداده باشه یا با کس دیگری در ارتباط نباشه. حقیقتاً از اینکه همسرم منو طرد کنه و بره خیلی نگرانم؛ طوری که خواب و خوراک ندارم» (مشارکت‌کننده ۱۰).

درخواست اطمینان‌بخشی مکرر، مضمون فرعی دیگری است که نشانه حساس بودن به طرد است. آن‌ها مدام می‌خواهند مطمئن شوند همسرشان آن‌ها را دوست دارد: «همسرم مغزمو خورده و هر روز این سؤال تکراری رو از من می‌پرسه که دوستش دارم یا نه. این سؤال کلافه‌م می‌کنه و داد می‌زنم بله بله بله دوستت دارم» (مشارکت‌کننده ۲).

در مضمون فرعی دیدگاه منفی درباره خود و همسر، اظهارات زوجین حاکی از آن است که روابط بین‌فردی آشفته و پر از درگیری و تعارض سبب شده است که دیدگاه منفی به خود و همسرشان پیدا کنند: «من وقتی با همسرم دعوا می‌کنم افکار بدی به ذهنم می‌آد و تا مدت‌ها به همسرم احساس بدی دارم و دیدگاه منفیم بهش تا مدت‌ها خوره ذهنم می‌شه» (مشارکت‌کننده ۵). مضمون فرعی عدم تعهد نشان می‌دهد یافتن فرد مناسب و ایجاد و حفظ رابطه بلندمدت با او، یکی از مهم‌ترین اهدافی است که افراد برای رسیدن به آن تلاش می‌کنند. زوجین با دل بستگی نایمن از عدم تعهد و خیانت همسرشان گلایه داشتند: «بعد از ازدواج معادله عوض شد. همه چی تغییر کرد و هیجان‌ات و خوشی‌های اوایل زندگی از بین رفت و همسر من تبدیل به آدم دیگه‌ای شد. مسئولیت‌پذیر نیست و به رابطه و زندگی مشترک متعهد نیست. منو نادیده می‌گیره. حتی گاهی فکر می‌کنم شاید در زندگی ما خیانت هم از طرف همسرم در حال اتفاق افتادنه» (مشارکت‌کننده ۱۴).

مضمون فرعی دیگر ترجیح دادن تنهایی است که بیانگر آن است که زوجینی که در روابط زناشویی با همسر خود صمیمی نیستند، تنهایی را ترجیح می‌دهند. آن‌ها دوست ندارند همسرشان زیاد به آن‌ها نزدیک شود: «در رابطه با شوهرم شدیداً احساس تنهایی می‌کنم. احساس می‌کنم هیچ‌وقت منو نمی‌فهمه و درک نمی‌کنه. با من حرف می‌زنه، باهام رابطه جنسی داره... ولی هیچ‌وقت درکم نمی‌کنه و به احساساتم توجهی نشون نمی‌ده. این رفتارها باعث می‌شه من تنهاترین زن دنیا باشم» (مشارکت‌کننده ۴).

درنهایت، برقراری رابطه فرازناشویی، آخرین مضمون فرعی است. روابط بین‌فردی آشفته و پر از درگیری و تعارض سبب شده است زوجین به روابط فرازناشویی روی بیاورند: «از زندگی ناامید شده‌م و حتی بارها اقدام به خودکشی کرده‌م. همسر من به من راضی نیست و بارها دیده‌م با زن‌های دیگه مشغول گفت‌وگو می‌شه. متأسفانه قرارهای ملاقات اون‌ها رو برای دیدارهای عاشقانه هم دیده‌م و حتی این روابط به ارتباط جنسی هم ختم شده» (مشارکت‌کننده ۲).

۴. بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی تجارب زیسته زوجین با ضربه دل بستگی در روابط زناشویی بود. اولین مقوله شناسایی شده در تجارب زیسته زوجین با ضربه دل بستگی (دل بستگی نایمن) الگوهای ارتباطی مختل بود که با نتایج پژوهش محمدی، سماوی و قاضوی^۱ (۲۰۱۶)، بیرامی و همکاران (۱۳۹۱) مبنی بر اینکه دل بستگی ایمن با رضایت زناشویی بیشتر و دل بستگی نایمن با رضایت زناشویی کمتر رابطه دارد، همسو است. همچنین با یافته‌های مدنی و بشارت، (۱۳۹۸)، اوزمن آتیک (۲۰۱۰)، سندبرگ، برادفورد و براون (۲۰۱۷)، مبنی بر رابطه سبک‌های دل بستگی و مشکلات ارتباطی زوجین هم‌راستا است.

در تبیین این یافته می‌توان گفت سبک دل بستگی، طراحواره‌های زیستی و رفتاری است که چگونگی روابط نزدیک با دیگران را مشخص می‌کند (کارانتزاس و همکاران^۲، ۲۰۱۶). از سوی دیگر بررسی‌های مورارو و تورلیوس^۱ (۲۰۱۲) نشان داد دل بستگی

1. Mohammadi, Samavi, & Ghazavi

2. Karantzas et al.

نقشی اساسی در تنظیم روانی، اجتماعی و الگوهای ارتباطی افراد دارد. اگر این تعریف را بپذیریم که دل‌بستگی، پناهگاهی از آسایش، امنیتی برای اکتشاف و جست‌وجو، و منبعی برای اطمینان بخشی به فرد در هنگام آشفتگی است، می‌توان نتیجه گرفت سبک دل‌بستگی سازه‌ای است که شکل‌گیری آن در خانواده اصلی صورت می‌گیرد و بر رضایت زناشویی اثرگذار است؛ به‌صورتی که سبک دل‌بستگی ایمن با رضایت زناشویی، رابطه مثبت دارد و سبک‌های دل‌بستگی نایمن (اجتنابی، اضطرابی/دوسوگرا) با رضایت زناشویی دارای رابطه منفی است (محمدی، سماوی و قاضوی، ۲۰۱۶).

دومین مقوله، اختلالات روانی و دشواری تنظیم هیجان در این زوجین است که با نتایج پژوهش‌های قاضیان، بشارت و رضازاده (۱۳۹۸)، حسینی حسین‌آباد و همکاران (۱۳۹۷)، مطلب و حمیدی‌پور (۱۳۹۶)، براندو و همکاران (۲۰۲۰) و تروب و استراکس (۲۰۱۷) مبنی بر اینکه زوجین دارای ضربه دل‌بستگی یا دل‌بستگی نایمن در تنظیم هیجانات خود دچار مشکل هستند، همخوانی دارد.

در تبیین و تفسیر این یافته می‌توان گفت افرادی که دارای دل‌بستگی نایمن هستند، معمولاً دریافت‌کننده هیجانات به‌صورت منفی هستند، عواطف خود را شدیداً کنترل می‌کنند و در نتیجه ناتوان در مدیریت هیجانات ناتوان هستند که این مسئله پیش‌بینی‌کننده مهمی برای مشکلات ارتباطی و زناشویی و نارضایتی زوجین است (چانگ^۲، ۲۰۱۴). در واقع زوجین با دل‌بستگی نایمن به‌علت ترس مداوم از رهاشدن و طرد یا دوست داشته‌نشدن توسط شریک زندگی دچار فشار روانی مضاعف و به‌کارگیری راهبردهای ناکارآمد در کنترل هیجان می‌شوند (میکولینکر و شیور^۳، ۲۰۱۹). این راهبردها می‌تواند به شکل اجتناب از بیان هیجان یا سرکوب آن باشد که سبب ایجاد شکاف بین زوجین با دل‌بستگی نایمن می‌شود (گراس^۴، ۲۰۱۴).

از دیگر یافته‌های پژوهش حاضر این است که افراد با دل‌بستگی نایمن علاوه بر مشکلات در تنظیم هیجان، دارای برخی اختلالات روانی از جمله افسردگی و اضطراب نیز هستند که این یافته با پژوهش‌های بروفی و همکاران (۲۰۲۰)، نوک، سندبرگ و دیویس (۲۰۱۷) و توگاس، پلوکوین و موندور (۲۰۱۶) همسو است.

در تبیین این یافته می‌توان گفت براساس تجارب مربوط به دل‌بستگی و مدل‌های کارکردی کنونی، به‌نظر می‌رسد افراد با سبک‌های دل‌بستگی متفاوت، راهبردهای مختلفی برای مدیریت پریشانی و حفظ احساس امنیت دارند. مدل‌های کارکردی منفی خود و دیگران که به دل‌بستگی نایمن مربوط می‌شود، می‌تواند زمینه‌ساز انتظارات و شناخت‌هایی باشد که در افسردگی دیده می‌شود (افتیکا و روزالسکا^۵، ۲۰۲۰). روابط نایمن دل‌بستگی موجب می‌شود احساسات ایمنی به مقدار بسیار کمی درونی شوند. افراد دارای دل‌بستگی‌های نایمن در هنگام مواجهه با پریشانی، خزانه مقابله‌ای کمتری دارند و مستعد خلق افسرده هستند (دگان، فاکومپره و برنارد^۶، ۲۰۱۸). همچنین ممکن است رویدادهای بین‌فردی منفی را به معنای ناشایستگی و بی‌کفایتی خود تفسیر کنند که این تفسیرها با ایجاد نشانه‌های افسردگی و اضطراب در ارتباط است (برماریو و کرنز^۷، ۲۰۱۰).

سومین مقوله شناسایی‌شده در تجارب زیسته زوجین با ضربه دل‌بستگی (دل‌بستگی نایمن) مربوط به خشونت و پرخاشگری خانگی (فیزیکی و روانی) بود که با نتایج مطالعات توگاس، پلوکوین و موندور (۲۰۱۶)، هایکس (۲۰۲۰)، چچه هوور و جکسون (۲۰۲۱)، فرناندز-فیورس و همکاران (۲۰۱۹)، ساتونا و همکاران (۲۰۱۹)، اوکا، براون و میلر (۲۰۱۶) و خزاعی و همکاران، (۱۳۹۶) همسو است.

در تبیین این یافته می‌توان گفت سبک‌های دل‌بستگی به راهبردهای مقابله با مشکلات در بزرگسالی، مثل مشکلات در روابط زناشویی مربوط است. زوجین با سبک دل‌بستگی نایمن از راهبردهای مقابله‌ای ناکارآمد با چاشنی پرخاشگری استفاده می‌کنند (ستین و همکاران^۸، ۲۰۱۱). از سوی دیگر مطالعات نشان می‌دهد پرخاشگری روانی و جسمانی با هردو بعد دل‌بستگی نایمن یعنی

1. Muraru & Turliuc
2. Chung
3. Mikulincer & Shaver
4. Gross
5. Aftyka & Rozalska
6. Dagan, Facompré, & Bernard
7. Brumariu & Kerns
8. Stein et al.

دل‌بستگی اضطرابی و دل‌بستگی اجتنابی مرتبط است (توگاس، پلوکوبین و موندور، ۲۰۱۶). سازوکار پرخاشگری جسمانی یا روانی در دل‌بستگی اضطرابی و اجتنابی متفاوت است. زوجین با دل‌بستگی اضطرابی، برخی از اشکال پرخاشگری روانی مانند حسادت را شدیدتر تجربه می‌کنند و این تلاشی برای محدود کردن فعالیت‌های اجتماعی شریک زندگی است. در واقع این افراد با بروز پرخاشگری روانی درصدد کنترل شریک زندگی خود هستند (چچه هوور و جکسون، ۲۰۲۱). در حالی که مکانیسم پرخاشگری در زوجین با دل‌بستگی اجتنابی، با رفتارهای پرخاشگرانه و خصمانه همراه است که هدف آن کاهش اعتماد به نفس همسر است تا دور باطل دوران کودکی فرد به صورت ناهشیار و با هدف حفظ امنیت رابطه ادامه یابد (مک‌درموت و همکاران، ۲۰۱۷). این در حالی است که بزرگسالان با سبک دل‌بستگی ایمن، از راهبردهای یکپارچه‌تر و سازنده‌تری برای حل مشکلات روابط زناشویی خود استفاده می‌کنند و در بیشتر موارد سازش می‌کنند و بیشتر نگران حال شریک زندگی خود هستند.

چهارمین مقوله، روابط جنسی مختل است که با نتایج مطالعات تروب و استراکس (۲۰۱۷)، جزینی و همکاران (۱۳۹۷)، عبدالمی و همکاران (۲۰۲۰)، پورسل - لوسکیو و همکاران (۲۰۱۹)، فلاح و همکاران (۲۰۱۹)، هدایتی و بیگی (۱۳۹۵) و بوناچی، گونزالس-مندز و کراه (۲۰۱۹) همسو است.

در تبیین این یافته می‌توان گفت سبک دل‌بستگی بزرگسالان، برخاسته از تجربیات اولیه زندگی با مراقبان و بیانگر سبک افراد در روابط نزدیک است (نیولو و همکاران، ۲۰۱۶). پژوهش‌ها حاکی از آن است که افراد با ضربه دل‌بستگی یا دل‌بستگی نایمن برای سرمایه‌گذاری در روابط عاشقانه و جنسی خود دچار تردید می‌شوند؛ بنابراین دارای پایین‌ترین سطح تعهد هستند (اتچوری و همکاران، ۲۰۱۳). مطالعات متعددی از جمله هو و همکاران (۲۰۱۲) نشان داد سبک دل‌بستگی نایمن (هر دو سبک اجتنابی و اضطرابی) با تعهد جنسی رابطه منفی دارد و بیشترین زوجینی که خیانت زناشویی و روابط فرازناشویی دارند، در گروه دل‌بستگی نایمن دیده شده‌اند. روند و عملکرد دل‌بستگی بزرگسالان، با رفتارهای رابطه‌گرایی زیادی از جمله اعتقادات و باورها و بینش‌های مربوط به عشق رمانتیک ارتباط دارد. به بیانی دیگر، افراد ایمن از لحاظ باورهای جنسی و برداشت از جسم خود، نسبت خود را جذاب‌تر از افراد نایمن می‌پندارند (بیرنباوم و ریس، ۲۰۱۹). همچنین افراد با سبک دل‌بستگی نایمن، انتظارات غیرمنطقی و نامعقول جنسی بیشتری از شریک خود دارند و نیز دارای باورهای غیرمنطقی بیشتری در ارتباط با روابط جنسی هستند. از این رو سبک دل‌بستگی نایمن برای انواع اختلالات جنسی، پیش‌بینی‌کننده خوبی به حساب می‌آید (براسارد و همکاران، ۲۰۱۲).

در نهایت، پنجمین مقوله، روابط عاشقانه و بین‌فردی آشفته است که با نتایج مطالعات سهرابی و رسولی (۱۳۸۷)، رندال و باتلر (۲۰۱۳)، گیورتر و همکاران (۲۰۱۳) و موهر، سلترمن و فسینگر (۲۰۱۳) همسو است.

در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت بر مبنای اطلاعات جدیدترین پژوهش‌ها، دل‌بستگی ایمن دربرگیرنده روابط بین‌فردی سازگارانه و کم‌آشوب است. برعکس، دل‌بستگی نایمن سبب آسیب‌دیدگی عملکردهای بین‌فردی، اجتماعی، عاشقانه و رمانتیک و زناشویی می‌شود (کوینلان و همکاران، ۲۰۱۸). طبق نظریه دل‌بستگی بالبی، در دسترس بودن^۷ و پاسخگویی^۸، رفتارهای اساسی در روابط و تا حد زیادی تعیین‌کننده حالت امنیت یا اضطراب و پریشانی در فرد است. این دو مفهوم که مشخصاً در افراد با دل‌بستگی نایمن وجود ندارد، به ایجاد مأمنی ایمن در برابر پیامدهای استرس و تردید کمک می‌کند و به بهبود اعتماد و اطمینان برای خطرپذیری، آموزش و یادگیری و سازگاری با خود، دیگران و دنیا می‌انجامد (جانسون، ۲۰۱۱). در دسترس بودن و پاسخگویی، رفتارهای قابل‌مشاهده و اندازه‌گیری و کلیدی در ارتباط و تا حد زیادی تعیین‌کننده وضعیت سبک دل‌بستگی، آشفتگی یا اضطراب رابطه زناشویی است. اگر این ویژگی‌ها در همسران به میزان زیادی وجود داشته باشد که نیازهای زناشویی زوجین را

1. McDermott et al.
2. Niolu et al.
3. Etcheverry et al.
4. Ho et al.
5. Brassard et al.
6. Quinlan et al.
7. accessibility
8. responsiveness
9. Johnson

تأمین کند، سبب کاهش نگرش مثبت به روابط خیانت‌آمیز و افزایش تعهد زناشویی می‌شود (مین و همکاران^۱، ۲۰۱۶)؛ بنابراین، رفتار دل‌بستگی در روابط زناشویی، نقش پیشگیرانه‌ای در خیانت زناشویی زوجین و تقویت اساس نظام خانواده دارد. پژوهش حاضر روی زوجین با ضربه دل‌بستگی شهرستان کرمانشاه انجام گرفت که با توجه به تفاوت‌های فرهنگی، تعمیم‌پذیری نتایج را به سایر شهرها محدود می‌کند؛ بنابراین تکرار آن در سایر شهرها و فرهنگ‌های مختلف ضروری است. محدودیت دیگر این پژوهش، جمع‌آوری اطلاعات از طریق مصاحبه است که دسترسی به برخی داده‌های خصوصی به‌ویژه مسائل جنسی را با محدودیت مواجه می‌کند؛ بنابراین استفاده از سایر ابزارها و نیز به‌کارگیری شیوه‌های تحقیق ترکیبی پیشنهاد می‌شود. از دیگر محدودیت‌های روش‌شناختی، جمع‌آوری هم‌زمان اطلاعات و تحلیل داده‌ها توسط پژوهشگران بود که تأثیر پیش‌فرض‌های پژوهشگران بر نتایج را افزایش داد. برای رفع این محدودیت، محققان فرایند تقلیل پدیدارشناسی و در پراختزگذاری را در طول مصاحبه و تحلیل داده‌ها انجام دادند. درنهایت، با توجه به نتایج این تحقیق و با بررسی پیشینه پژوهشی، سایر محققان می‌توانند مدل‌هایی را با متغیرهای واسطه‌گر و تعدیل‌کننده پیشنهاد کنند تا درک کامل‌تر و دقیق‌تری از موضوع به‌دست آید. آموزش دوره‌های غنی‌سازی مبتنی بر روش دل‌بستگی نیز می‌تواند به پیشگیری از تعارض در روابط زوجین یاری برساند.

۵. ملاحظات اخلاقی

به‌منظور رعایت ملاحظات اخلاقی، قبل از شروع مصاحبه، مشارکت‌کنندگان از اهداف و اهمیت تحقیق آگاه شدند و با اخذ فرم رضایت آگاهانه در تحقیق شرکت کردند. از مشارکت‌کنندگان برای شرکت در تحقیق و استفاده از ضبط‌صوت برای ضبط مصاحبه اجازه گرفته شد و به آن‌ها اطمینان داده شد که اطلاعات صرفاً در جهت اهداف تحقیق استفاده خواهد شد. همچنین به مشارکت‌کنندگان گفته شد در هر مرحله از تحقیق می‌توانند از ادامه پژوهش انصراف دهند و اینکه مشخصات آن‌ها در طول تحقیق و بعد از آن به‌صورت محرمانه حفظ می‌شود.

۶. سپاسگزاری

نویسندگان بر خود لازم می‌دانند از همه زوجینی که در این پژوهش مشارکت کردند، مراتب تقدیر و تشکر خود را اعلام کنند.

۷. حمایت مالی

این پژوهش هیچ‌گونه کمک مالی از سازمان‌های تأمین مالی در بخش‌های عمومی، تجاری یا خصوصی دریافت نکرده است.

۸. تعارض منافع

این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی ندارد.

منابع

- بیرامی، م، فهیمی، ص، اکبری، ا، و پیچاکلایی، ا. (۱۳۹۱). پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس سبک‌های دل‌بستگی و مؤلفه‌های تمایز یافتگی. *اصول بهداشت روانی*. ۱۴ (۵۳)، ۷۷-۶۶. <https://doi.org/10.22038/jfmh.2012.935>
- جزینی، ش، عبدالهی، ن، امان‌الهی، ع، و اصلانی، خ. (۱۳۹۷). تأثیر سبک دل‌بستگی و بدکارکردی جنسی بر تعهد زناشویی و باورهای جنسی در دانشجویان زن متأهل شهر اهواز: تجزیه و تحلیل مسیر. *افق دانش*. ۱ (۲۵)، ۳۶-۲۹. <http://imtj.gmu.ac.ir/article-1-2782-fa.html>
- حسینی حسین‌آباد، س. ف، غباری‌بناب، ب، مشایخ، م، سوداگر، ش، و فرخی، ن. (۱۳۹۷). پیش‌بینی سازگاری زناشویی بر پایه سبک‌های دل‌بستگی. *مجله تحقیقات سلامت*. ۷ (۳)، ۱۵۴-۱۴۷. <http://jhr.ssu.ac.ir/article-1-434-fa.html>
- خزاعی، س، نوایی‌نژاد، ش، فرزاد، و، و زهراکار، ک. (۱۳۹۶). رابطه سبک‌های دل‌بستگی و پرخاشگری ارتباطی پنهان: با واسطه‌گری

- احساس شرم و گناه. *روان‌شناسی تحولی*. ۱۴(۵۴)، ۱۷۲-۱۵۵. https://jip.stb.iau.ir/article_539238.html
- رجبی، غ. ر.، موسویان‌نژاد، خ.، و تقی‌پور، م. (۱۳۹۳). رابطه سبک‌های دلبستگی و هوش هیجانی با رضایت و تعارض زناشویی در معلمان زن متأهل. *دوفصلنامه مشاوره کاربردی*. ۴(۱)، ۶۶-۴۹. https://jac.scu.ac.ir/article_12562.html
- سهرابی، ف.، و رسولی، ف. (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین سبک دلبستگی و روابط جنسی فرازناشویی در بین زنان بازداشت‌شده در مرکز مبارزه با مفاسد اجتماعی شهر تهران. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*. ۴(۲)، ۱۴۳-۱۳۳. https://jfr.sbu.ac.ir/article_95159.html
- صداقت‌خواه، ع.، و بهزادی‌پور، س. (۱۳۹۶). پیش‌بینی کیفیت روابط زناشویی براساس باورها ارتباطی، ذهن‌آگاهی و انعطاف‌پذیری روان‌شناختی. *فصلنامه زن و جامعه*. ۸(۲)، ۷۶-۵۷. https://jzvj.marvdasht.iau.ir/article_2391.html
- صدوقی، م. (۱۳۸۷). معیارهای ویژه ارزیابی پژوهش کیفی. *روش‌شناسی علوم انسانی*. ۱۴(۵۶)، ۷۲-۵۵. https://method.rihu.ac.ir/article_428.html
- عیسی‌نژاد، ا.، آگشته، م.، و علی‌پور، م. (۱۳۹۴). بررسی روایی و پایایی و ساختار عاملی فارسی پرسشنامه کیفیت دلبستگی بزرگسالان در همسرها-مفهوم‌سازی چندبعدی دلبستگی زناشویی. *مشاوره و روان‌درمانی خانواده*. ۵(۴)، ۱۶-۱۰. <https://dori.net/dor/20.1001.1.22516654.1394.5.4.1.3>
- قاضیان، م.، بشارت، م.، ع.، و رضازاده، س. م. ر. (۱۳۹۸). رابطه بین سبک‌های دلبستگی و سازگاری زوجین با توجه به نقش تعدیل‌کننده مزاج عاطفی. *پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی*. ۱۰(۱)، ۶۱-۴۳. <https://doi.org/10.22059/japr.2019.258348.642852>
- محمدپور، احمد (۱۳۹۸). *روش تحقیق کیفی ضد روش (مراحل و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی)*. جلد دوم. تهران: جامعه‌شناسان.
- مدنی، م.، و بشارت، م. ع. (۱۳۹۸). بررسی ارتباط سبک‌های دلبستگی در بزرگسالان و مشکلات زناشویی. *رویش روان‌شناسی*. ۸(۴)، ۱۴۸-۱۴۱. <https://dori.net/dor/20.1001.1.2383353.1398.8.4.1.3>
- مطلب، ز.، و حمیدی‌پور، ر. (۱۳۹۶). رابطه سبک‌های دلبستگی و راهبردهای مقابله با استرس با سازگاری زناشویی. *مجله اصول بهداشت روانی*. ۱۹(۳)، ۲۵۵-۲۵۱. <https://doi.org/10.22038/jfmh.2017.8902>
- هدایتی، م.، و بیگی، س. (۱۳۹۵). تعیین رابطه بین سبک‌های دلبستگی و رضایتمندی زناشویی با شاخص عملکرد جنسی در زنان. *پژوهشنامه زنان*. ۷(۱۶)، ۱۴۱-۱۲۷. https://womenstudy.ihs.ac.ir/article_2178.html

References

- Abdollahi, N., Jazini, S., Aslani, K., & Amanuelahi, A. (2020). The mediating role of automatic thoughts in relationship between attachment style with sexual dysfunction and marital commitment: A path analysis. *Journal of Research and Health*, 10(2), 91-102. <http://dx.doi.org/10.32598/JRH.10.2.5>
- Adams, C., & Van Manen, M. A. (2017). Teaching phenomenological research and writing. *Qualitative Health Research*, 27(6), 780-791. <https://doi.org/10.1177/1049732317698960>
- Aftyka, A., & Rozalska, I. (2020). Post-traumatic stress symptoms in a partner as an essential predictor for post-traumatic stress symptoms in the mothers and fathers of children previously treated in NICU. *Journal of Neonatal Nursing*, 26(5), 259-262. <https://doi.org/10.1016/j.jnn.2020.04.002>
- Banytè, K., & Pukinskaitè, R. (2010). The relationship between attachment styles, love attitudes and sensitivity to rejection among young adults. *Social Inquiry into Well-Being*, 9(2), 127-134. <https://ojs.mruni.eu/ojs/social-inquiry-into-well-being/article/view/939>
- Bélanger, C., Mathieu, C., Dugal, C., & Courchesne, C. (2015). The impact of attachment on intimate partner violence perpetrated by women. *Journal of Family Therapy*, 43(5), 441-453. <https://doi.org/10.1080/01926187.2015.1080130>

- Birami, M., Fahimi, S., Akbari, A., & Pichakalai, A. (2012). Predicting marital satisfaction on the basis of attachment styles and differentiation components. *Journal of Fundamentals of Mental Health, 14*(53), 66-77. <https://doi.org/10.22038/jfmh.2012.935> (In Persian)
- Birnbaum, G. E., & Reis, H. T. (2019). Evolved to be connected: The dynamics of attachment and sex over the course of romantic relationships. *Current Opinion in Psychology, 25*, 11-15. <https://doi.org/10.1016/j.copsyc.2018.02.005>
- Bonache, H., Gonzalez-Mendez, R., & Krahé, B. (2019). Adult attachment styles, destructive conflict resolution, and the experience of intimate partner violence. *Journal of Interpersonal Violence, 34*(2), 287-309. <https://doi.org/10.1177/0886260516640776>
- Brandão, T., Matias, M., Ferreira, T., Vieira, J., Schulz, M. S., & Matos, P. M. (2020). Attachment, emotion regulation, and well-being in couples: Intrapersonal and interpersonal associations. *Journal of Personality, 88*(4), 748-761. <https://doi.org/10.1111%2Fjopy.12523>
- Brassard, A., Péloquin, K., Dupuy, E., Wright, J., & Shaver, P. R. (2012). Romantic attachment insecurity predicts sexual dissatisfaction in couples seeking marital therapy. *Journal of Sex & Marital Therapy, 38*(3), 245-262. <https://doi.org/10.1080/0092623x.2011.606881>
- Bretherton, I. (2013). The origins of attachment theory: John Bowlby and Mary Ainsworth. In *Attachment theory* (pp. 45-84). Routledge.
- Brophy, K., Brähler, E., Hinz, A., Schmidt, S., & Körner, A. (2020). The role of self-compassion in the relationship between attachment, depression, and quality of life. *Journal of Affective Disorders, 260*, 45-52. <https://doi.org/10.1016/j.jad.2019.08.066>
- Brumariu, L. E., & Kerns, K. A. (2010). Parent-child attachment and internalizing symptoms in childhood and adolescence: A review of empirical findings and future directions. *Development and Psychopathology, 22*(1), 177-203. <https://doi.org/10.1017/s0954579409990344>
- Carver, C. S. (1997). Adult attachment and personality: Converging evidence and a new measure. *Personality and Social Psychology Bulletin, 23*(8), 865-883. <https://doi.org/10.1177/0146167297238007>
- Cascio, M. I., & Alaimo, S. M. (2016). The relationship between attachment styles, emotional dysregulation, & metacognitive functions in patients with personality disorders. *Journal of Psychology & Psychotherapy, 6*(3), 1-7. <http://dx.doi.org/10.4172/2161-0487.1000265>
- Cheche Hoover, R., & Jackson, J. B. (2021). Insecure attachment, emotion dysregulation, and psychological aggression in couples. *Journal of Interpersonal Violence, 36*(19-20), NP10908–NP10936. <https://doi.org/10.1177/0886260519877939>
- Chung, M. S. (2014). Pathways between attachment and marital satisfaction: The mediating roles of rumination, empathy, and forgiveness. *Personality and Individual Differences, 70*, 246-251. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2014.06.032>
- Dagan, O., Facompré, C. R., & Bernard, K. (2018). Adult attachment representations and depressive symptoms: A meta-analysis. *Journal of Affective Disorders, 236*, 274-290. <https://doi.org/10.1016/j.jad.2018.04.091>
- Etcheverry, P. E., Le, B., WU, T. F., & Wei, M. (2013). Attachment and the investment model: Predictors of relationship commitment, maintenance, and persistence. *Personal Relationships, 20*(3), 546-567. <https://doi.org/10.1111/j.1475-6811.2012.01423.x>
- Fallah, M. Y., Talemi, A. N., Bagheri, M., Allameh, Y., Mazloumirad, M., Zandnia, F... & Ghahari, S. (2019). Attachment styles, marital conflicts, coping strategies, and sexual satisfaction in spouse abused and non-abused women. *Journal of Pharmaceutical Research International, 26*(4), 1-9. <https://doi.org/10.9734/jpri/2019/v26i430141>
- Fernández-Fuertes, A. A., Fuertes, A., Fernández-Rouco, N., & Orgaz, B. (2019). Past aggressive behavior, costs and benefits of aggression, romantic attachment, and teen dating violence

- perpetration in Spain. *Children and Youth Services Review*, 100, 376-383.
<https://doi.org/10.1016/j.childyouth.2019.03.020>
- Fraley, R. C. (2019). Attachment in adulthood: Recent developments, emerging debates, and future directions. *Annual Review of Psychology*, 70, 401-422. <https://doi.org/10.1146/annurev-psych-010418-102813>
- Ghazian, M., Besharat, M. A., & Rezazade, S. (2019). The Moderating Role of Affective Temperament on the Relationship between Attachment Styles and Dyadic Adjustment States. *Journal of Applied Psychological Research*, 10(1), 43-61.
<https://doi.org/10.22059/japr.2019.258348.642852> (In Persian)
- Givertz, M., Woszidlo, A., Segrin, C., & Knutson, K. (2013). Direct and indirect effects of attachment orientation on relationship quality and loneliness in married couples. *Journal of Social and Personal Relationships*, 30(8), 1096-1120. <https://doi.org/10.1177/0265407513482445>
- Gross, J. J. (2014). Emotion regulation: Conceptual and empirical foundations. In J. J. Gross (Ed.). *Handbook of emotion regulation* (pp. 3-22). New York: The Guilford Press.
- Hedayati, M., & Begi, S. (2016). Determining the Relationship between Styles of Devotion and Espousal Satisfaction by the Index of Sexual Functioning of Women. *Women Studies*, 7(16), 127-141. https://womenstudy.ihcs.ac.ir/article_2178.html (In Persian)
- Hicks, S. (2020). *Romantic relational aggression among college students: A moderated mediation study of attachment style, romantic jealousy, mate value, and relationship investment*. Psychology School, PhD Dissertation. University of Southern Mississippi.
<https://aquila.usm.edu/dissertations/1682/>
- Ho, M. Y., Chen, S. X., Bond, M. H., Hui, C. M., Chan, C., & Friedman, M. (2012). Linking adult attachment styles to relationship satisfaction in Hong Kong and the United States: The mediating role of personal and structural commitment. *Journal of Happiness Studies*, 13(3), 565-578.
<http://dx.doi.org/10.1007/s10902-011-9279-1>
- Hosseini Hossein-Abad, S. F., Ghobari-Banab, B., Mashaikh, M., Sodagar, S., and Farrokhi, N. (2018). Prediction of marital compatibility based on attachment styles. *Journal of Community Health Research*, 7(3), 157-147. <http://jhr.ssu.ac.ir/article-1-434-fa.html> (In Persian)
- Isanezhad, O., Agashteh, M., & Alipor, M. (2016). Factor structure, Validity and reliability of Persian form of Measure of Attachment Qualities (MAQ) in married couples: Multidimensional conceptualization of marital attachment. *Family Counseling and Psychotherapy*, 5(4), 1-16.
<https://dori.net/dor/20.1001.1.22516654.1394.5.4.1.3> (In Persian)
- Jazini, S., Abdollahi, N., Amanelahi, A., & Aslani, K. (2019). Effectiveness of Attachment Style and Sexual Dysfunction on Marital Commitment and Sexual Beliefs in Married Female Students of Ahvaz City: A Path Analysis. *Intern Med Today*, 25(1), 29-36. <http://imtj.gmu.ac.ir/article-1-2782-fa.html> (In Persian)
- Johnson, S. M. (2011). The attachment perspective on the bonds of love: A prototype for relationship change. In J. Furrow, B. Bradley & S. Johnson, (Eds.). *The emotionally focused casebook: New directions in treating couples*. (pp. 31-58). New York: Brunner Routledge.
- Karantzas, G. C., McCabe, M. P., Karantzas, K. M., Pizzirani, B., Campbell, H., & Mullins, E. R. (2016). Attachment style and less severe forms of sexual coercion: A systematic review. *Archives of Sexual Behavior*, 45(5), 1053-1068. <https://doi.org/10.1007/s10508-015-0600-7>
- Khazaei, S., Navabinejad, S., Farzad, V., & Zaharakar, K. (2017). The Relation of Attachment Styles and Relational Aggression: The Mediation of Shame and Guilt. *Journal of Developmental Psychology*, 14(54), 155-172. https://jip.stb.iau.ir/article_539238.html (In Persian)
- Lopez, J. L., Riggs, S. A., Pollard, S. E., & Hook, J. N. (2011). Religious commitment, adult attachment, and marital adjustment in newly married couples. *Journal of Family Psychology*, 25(2),

- 301-309. <https://doi.org/10.1037/a0022943>
- Madani, M., & Basharat, M. A. (2019). The Relationship of attachment styles and marital problems. *Rooyesh*, 8(4), 141-148. <http://dorl.net/dor/20.1001.1.2383353.1398.8.4.1.3> (In Persian)
- Matlab, Z., & Hamidipour, R. (2017). Relationship among attachment styles and coping strategies with stress by marital adjustment. *Journal of Fundamentals of Mental Health*, 19(special issue), 251-255. <https://doi.org/10.22038/jfmh.2017.8902> (In Persian)
- McDermott, R. C., Cheng, H. L., Lopez, F. G., McKelvey, D., & Bateman, L. S. (2017). Dominance orientations and psychological aggression in college student relationships: A test of an attachment theory-guided model. *Psychology of Violence*, 7(4), 508-520. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/vio0000061>
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2019). Attachment orientations and emotion regulation. *Current Opinion in Psychology*, 25, 6-10. <https://doi.org/10.1016/j.copsyc.2018.02.006>
- Min, D., Arbing, M. A., Jefferson, R. E., & Bowie, J. U. (2016). A simple DNA handle attachment method for single molecule mechanical manipulation experiments. *Protein Science*, 25(8), 1535-1544. <https://doi.org/10.1002/pro.2952>
- Mohammadi, K., Samavi, A., & Ghazavi, Z. (2016). The relationship between attachment styles and lifestyle with marital satisfaction. *Iranian Red Crescent Medical Journal*, 18(4), 238-249. <https://doi.org/10.5812/2Fircmj.23839>
- Mohammadpour, A. (2019). *Qualitative research method counter method (The logic and design in qualitative methodology)*. Vol. 2. Tehran: Sociologists. (In Persian)
- Mohr, J. J., Selterman, D., & Fassinger, R. E. (2013). Romantic attachment and relationship functioning in same-sex couples. *Journal of Counseling Psychology*, 60(1), 72-82. <https://psycnet.apa.org/doi/10.1037/a0030994>
- Muraru, A. A., & Turliuc, M. N. (2012). Family-of-origin, romantic attachment, and marital adjustment: A path analysis model. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 33, 90-94. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2012.01.089>
- Nascimento, B. S., Little, A. C., Monteiro, R. P., Hanel, P. H., & Vione, K. C. (2022). Attachment styles and mate-retention: Exploring the mediating role of relationship satisfaction. *Evolutionary Behavioral Sciences*, 16(4), 362-370. Link to Publication in Scopus
- Niolu, C., Bianciardi, E., Di Lorenzo, G., Nicolai, S., Celi, M., Ribolsi, M., Pietropolli, A., Ticconi, C., Tarantino, U., & Siracusano, A. (2016). Insecure attachment style predicts low bone mineral density in postmenopausal women. A pilot study. *Rivista di Psichiatria*, 51(4), 143-148. <https://doi.org/10.1708/2342.25118>
- Novak, J. R., Sandberg, J. G., & Davis, S. Y. (2017). The role of attachment behaviors in the link between relationship satisfaction and depression in clinical couples: Implications for clinical practice. *Journal of Marital and Family Therapy*, 43(2), 352-363. <https://doi.org/10.1111/jmft.12201>
- Oka, M., Brown, C. C., & Miller, R. B. (2016). Attachment and relational aggression: Power as a mediating variable. *The American Journal of Family Therapy*, 44(1), 24-35. <https://doi.org/10.1080/01926187.2015.1105716>
- Ozmen, O., & Atik, G. (2010). Attachment styles and marital adjustment of Turkish married individuals. *Procedia Social and Behavioral Science*, 5, 367-371. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2010.07.106>
- Purcell-Lévesque, C., Brassard, A., Carranza-Mamane, B., & Péloquin, K. (2019). Attachment and sexual functioning in women and men seeking fertility treatment. *Journal of Psychosomatic Obstetrics & Gynecology*, 40(3), 202-210. <https://doi.org/10.1080/0167482x.2018.1471462>

- Quinlan, E., Deane, F. P., Crowe, T., & Caputi, P. (2018). Do attachment anxiety and hostility mediate the relationship between experiential avoidance and interpersonal problems in mental health carers? *Journal of Contextual Behavioral Science*, 7, 63-71. <https://doi.org/10.1016/j.jcbs.2018.01.003>
- Rajabi, G. R., Mousavianejad, Kh., & Taghipour, M. (2014). Relationships Attachment Styles and Emotional Intelligence with Marital Satisfaction and Marital Conflict in Married Female Teachers. *Biannual Journal of Applied Counseling*, 4(1), 49-66. https://jac.scu.ac.ir/article_12562.html (In Persian)
- Randall, A. K., & Butler, E. A. (2013). Attachment and emotion transmission within romantic relationships: Merging intrapersonal and interpersonal perspectives. *Journal of Relationships Research*, 4, e10. <https://doi.org/10.1017/jrr.2013.10>
- Sadoughi, M. (2008). Criteria of Evaluating Qualitative Research. *Methodology of Social Sciences and Humanities*, 14(56), 55-72. https://method.rihu.ac.ir/article_428.html (In Persian)
- Sandberg, J. G., Bradford, A. B., & Brown, A. P. (2017). Differentiating between attachment styles and behaviors and their association with marital quality. *Family Process*, 56(2), 518-531. <https://doi.org/10.1111/famp.12186>
- Santona, A., De Cesare, P., Tognasso, G., De Franceschi, M., & Sciandra, A. (2019). The mediating role of romantic attachment in the relationship between attachment to parents and aggression. *Frontiers in Psychology*, 10, 1824. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2019.01824>
- Sedaqatkah, A., & Behzadipour, S. (2017). Predicting the quality of marital relationships based on communication beliefs, mindfulness and psychological flexibility. *Journal of Woman & Society*, 8(2), 57-76. https://jzvj.marvdasht.iau.ir/article_2391.html (In Persian)
- Sierau, S., & Herzberg, P. H. (2012). Conflict resolution as a dyadic mediator: Considering the partner perspective on conflict resolution. *European Journal of Personality*, 26(3), 221-232. <https://doi.org/10.1002/per.828>
- Simpson, J. A., & Rholes, W. S. (2019). Adult attachment orientations and well-being during the transition to parenthood. *Current Opinion in Psychology*, 25(1), 47-52. <https://doi.org/10.1016/j.copsyc.2018.02.019>
- Sirin, H. D., & Bayrakci, E. (2020). Investigation of the effect of romantic relationship development program (RIGP) on romantic relationship satisfaction and romantic belief level. *Journal of Mersin University Faculty of Education*, 16(1), 145-165. <https://doi.org/10.17860/mersinefd.592785>
- Sohrabi, F., & Rasouli, F. (2008). Investigating the relationship between attachment style and extramarital sexual relations among women detained in the center for combating social corruption in Tehran. *The Journal of Family Research*, 4(2), 143-133. https://jfr.sbu.ac.ir/article_95159.html (In Persian)
- Stein, M. B., Siefert, C. J., Stewart, R. V., & Hilsenroth, M. J. (2011). Relationship between the social cognition and object relations scale (SCORS) and attachment style in a clinical sample. *Clinical Psychology & Psychotherapy*, 18(6), 512-523. <https://doi.org/10.1002/cpp.721>
- Sung, Y., Nam, T. H., & Hwang, M. H. (2020). Attachment style, stressful events, and Internet gaming addiction in Korean university students. *Personality and Individual Differences*, 154, 109724. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2019.109724>
- Tavakolizadeh, J., Nejatian, M., & Soori, A. (2015). The effectiveness of communication skills training on marital conflicts and its different aspects in women. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 171(1), 214-221. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2015.01.112>
- Tougas, C., Péloquin, K., & Mondor, J. (2016). Romantic attachment and perception of partner support to explain psychological aggression perpetrated in couples seeking couples therapy. *Couple and Family Psychology: Research and Practice*, 5(4), 197-211.

<http://dx.doi.org/10.1037/cfp0000068>

- Trub, L., & Starks, T. J. (2017). Insecure attachments: Attachment, emotional regulation, sexting and condomless sex among women in relationships. *Computers in Human Behavior, 71*, 140-147.
<https://doi.org/10.1016/j.chb.2017.01.052>
- Velotti, P., Beomonte Zobel, S., Rogier, G., & Tambelli, R. (2018). Exploring relationships: A systematic review on intimate partner violence and attachment. *Frontiers in Psychology, 9*, 1166.
<https://doi.org/10.3389/fpsyg.2018.01166>
- Zhao, G., Ge, Y., Shen, B., Wei, X., & Wang, H. (2017). Emotion analysis for personality inference from EEG signals. *IEEE Transactions on Affective Computing, 9*(3), 362-371.
<https://doi.org/10.1109/TAFFC.2017.2786207>